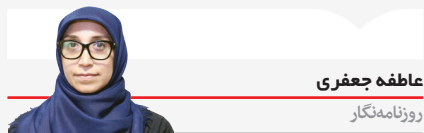




گزارش «فرهیختگان» از ۱۱ کتابی که در اولویت ساخت سریال یا فیلم سینمایی قرار دارند

فصل‌های خوب برای کارگردان‌های خوب

تعداد خواننده‌هایش فرصت تبدیل شدن به یک تصویر ذهنی را داشته باشد اما فیلمسازان در سینمای اقتباسی دوست دارند همه آن چیزی که در ذهن‌شان ساخته شده را به تصویری زنده بدل کنند. ما در چندین شماره از سینمای اقتباسی و اهمیت آن در دو حوزه سینما و ادبیات گفتیم. در کشور ما آتچنان‌که



قصه‌ها را رمانی هستند برای دنیای خیال ما تا آدم‌های درون آن جان بگیرند و ما با اتفاق‌شان، جور دیگری به این زندگی و روزهای پر حادثه‌اش نگاه کنیم. شاید هر قصه‌ای به

هفت جن

از کتاب هفت جن امید کورچی‌زاد گفته‌ام و با خودش هم گفت‌وگو کردم. موضوع کتاب برای ساخت سریال بسیار جذاب است و مطمئناً در صورت ساخت می‌تواند مخاطب را با خودش همراه کند. باینکه تولید این گونه کتاب‌ها در فضای انتشاراتی کشوران چندان مرسوم نیست، اما امید کورچی‌زاد با مهارت تمام توانسته است به خوبی از عهده آن برآید. نویسنده که گوئی تسلط خوبی بر فضای علوم اورانی دارد فضاسازی روان، محکم و دلچسبی را در این داستان فانتزی ایجاد کرده است. کتاب داستان تقلیل خبر و شرهای آفرانه‌ای است که حس مبهم بر همیشه درگیر آن است و به آن می‌اندیشد. در این کتاب ما همداریم؛ از آنجانب‌ها خواهیم بود. رازی داستان‌ها همان قهرمان داستان است که از هوش بسیار زیادی برخوردار است و نسبت به علوم غربیه آگاهی و احاطه کامل دارد. نیروی مقابل قهرمان درویش است. انبوری شوری است که با استفاده از مسیر شیطانی تسلط کاملی بر علوم غریبه دارد و در حد اعزای قدرت ذهنی و تسلط بر اشیاء وسیله ذهن قرار دارد. درویش قدرت دارد با گشودن دروازه سلیمان، مسیری را که حضرت سلیمان را جسته است، باز کند و به واسطه جن‌ها به قدرت بزر و مطلق دست پیدا کند. قهرمان داستان با ارتباطات خاصی خودش می‌تواند جن‌ها را ببیند و روش به کارگیری آن‌ها را خوب بلد است. او علاوه بر مقلبه و مبارزه با درویش باید به فکر نجات میرانا هم باشد که تبدیل به یک شکار شونده است. عشق به میرانا سبب شد تا قهرمان داستان از مسیر شیطانی خود خارج شود و در مسیر درستی قدم بردارد. استفاده از توسل و تکیه بر نیروهای معنوی، کلیه ادله‌های است که قهرمان قصه سعی می‌کند از آنها در آخرین لحظات برای پیدا کردن رذیعت استفاده کند. امید کورچی نویسنده این کتاب در مورد ایده نوشتنش برای این داستان می‌گوید: در دو فضا خلأی را حس می‌کردم. یکی در بحث حلقه‌های عرفانی ضاله تلویزور در دانشگاه‌ها که این سال‌ها برای من ایجاد غنچه کرده بود و می‌دیدم که طیف عظیمی از دانشجویان به آن مبتلا هستند و گاهی کارهایی می‌کنند که بعد از نگاه زنی آنها از بین می‌رود. نبود ادبیات فانتزی در کشور نیز دیگر دلیلی بود که دست به نگارش این رمان زدم. زیرا اغلب ادبیات فانتزی در کشور وارداتی است و نتوانم هم این است که ادبیات فانتزی در

برجسته‌ترین نمونه‌ها در ادبیات در جهان است. این را از میران استقبال و فروش آن اثر می‌توان فهمید. یعنی هری پاتر وقتی کتابش منتشر می‌شود به طرز بی‌نظردنی با ادبیات می‌رسد و بعد از آن هم فیلمی که براسان آن ساخته می‌شود نیز مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد. این هر دویند که گفت‌وهای فراذهنی در ادبیات کشور نیست و به نظر من در این حوزه کاری نداشتیم و همین شد که به ذهنم رسید یک کار مناسب با ادبیات دینی و ملی در فضای بومی بنویسم. نکته مهم هم مورد کتاب هفت جن این است که این کتاب، چون براساس متون دینی نوشته شده و نویسنده همه چیز را مستند آورده است، برای ساخت سریال بسیار می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

فرنگیس

کتاب فرنگیس شامل خاطرات فرنگیس حیدروی متولد سال ۱۳۴۱ در روستای اوژین است. او در حمله نظامیان عراق به روستای محل سکونتش با یک تیر از خود در برابر سربازان ارتش بعث عراق قلع کرد. در سال ۱۳۵۹ پس از حمله عراق بدش تهیه خدمتگاه و مسافرگیری کرد. او در طول دوره پرورد فرنگیس هم درگیری با عوامل عراقی کشته می‌شوند و فرنگیس در پی برخورد با سرباز عراق بدون داشتن سلاح گرم، با تیر بدش با سربازان درگیر شده، یکی را کشته و دیگری را با تمام تجهیزات اسیر می‌کند و به مقر فرماندهان می‌برد. از چشمه پنهان‌شان کرده بودند. «خیابان ولی عصر در مورد اینکه چطور باید شخصیت فرنگیس را برای همه مردم معرفی کرد می‌گوید: «اگر فرنگیس خوب شناسایی و معرفی شود، آرام‌آرام در سطح جامعه مطرح می‌شود و من می‌بینم افرادی که تاکنون این اثر را مطالعه کرده‌اند، می‌گویند ما با اشک بار از مطالعه کردم. سعی کردم محتوی کتاب صمیمی روان و جذاب باشد. در این اثر قسمت‌هایی از زندگی فرنگیس، چه در کودکی چه جوانی و چه میانسالی همه جذاب بود و سعی بر این بود که بتواند با نسل جوان ارتباط برقرار کند. مطمئناً کتاب سریال با فیلم‌سینمایی از این زندگی می‌تواند مخاطبان زیادی را بین آنر آشنا کند. «کتاب فرنگیس از آن دست کتاب‌هایی است که قهرمان معرفی می‌کند، قهرمانی که واقعی است و روایت داستان زندگی‌اش می‌تواند برای خیلی‌ها الگوساز باشد. شاید گفته شود کتاب‌های این مدلی زیاد داریم. اما نکته کتاب فرنگیس این است که روایت زنده از جنگ و این نوع مقاومت را کم نداشته‌ام. برای همین ساخت فیلم سینمایی یا سریال از این کتاب‌ها بسیار می‌تواند برای مخاطب جذاب باشد.

آبیتا هل دار

آبیتا هل دار داستان ملزنی است از زبان یک کودک جنودری؛ برادر این کودک قرار است به جبهه برود. محسن، راوی داستان، فرزند آخر یک خانواده پنج‌نفری است. آنها همراه مادر بزرگشان در یکی از محله‌های قدیم جنودر زندگی می‌کنند. فضای داستان سراسر ماجراهای خنده‌دار و حیرت‌آور است، اما ماجراهایی که محسن آنها را ایجاد می‌کند، یکی از نقاط قوت کتاب توانایی برپرداد صدقی نویسنده در نشان دادن فضای زندگی و حس بهامست نویسنده نشان می‌دهد که چگونه مردم در این فضا زندگی روزمره خود را می‌گذرانند و سرگرمی‌های خاص خود را دارند. در این داستان، نویسنده نشان می‌دهد، در محله‌های بسیار زیادی نورافروز جنگ است، بخش عمده‌ای از مردم این زندگی شاد و پرماجری‌اشند؛ زندگی‌ای همراه با هیوسر و زندگی این کتاب، برای کسانی که از روزگاران ۱۳۴۶ تا خاطرات نویسنده‌اش گذرانده‌اند، بسیار نرسل امروز هم، که دوستان را دوست می‌کنند، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. محسن، قهرمان داستان، از روزگاری می‌گوید که مردم با هم شاد‌های دیگری می‌آفرینند، من می‌بینم مادران رفتن به خانه نوزاد رنگی، تجربه حضور نخستین خوراکی‌های شیرین در خانه مردم. ایجادادن کارهای ساده‌ای در محسن به ماجراجویی‌هایی تبدیل می‌شود که کمتر از هفت‌خان رستم نیست. کارهایی مثل رفتن به مدرسه و بخشش این نرخی را بخشش کار عمری برای محسن ماجراهایی را رقم می‌زند که هر یک برای خواننده کتاب دنیایی است پر از خنده و نشاط. خلاصه اینکه هر یک کتابی که دوست‌دار یادآوری روزهای پرخطر همراه با خنده‌اند، این کتاب حرف‌هایی بسیار برای گفتن دارد.

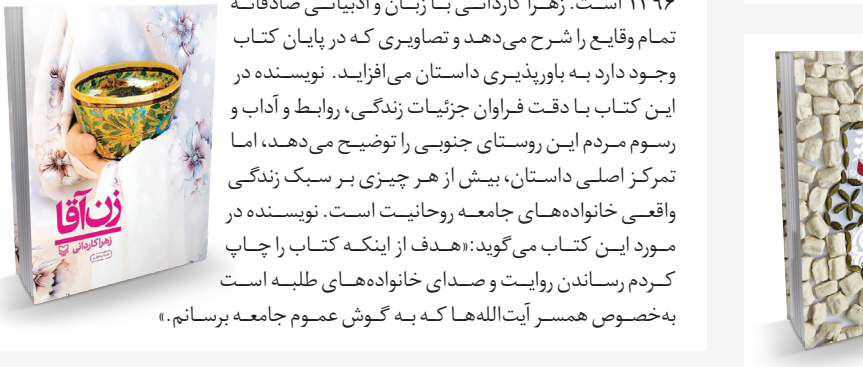
داشته‌ام که از کتاب‌ها برای ساخت فیلم و سریال اقتباس شود اما در این سال‌ها این موضوع خیلی کمتر شده است. به‌بهانه سریال «زخم کاری» به سراغ ناشران و کسانی که در سینما مطلع هستند رفتیم، تا بدین‌مرد در دوسال آینده ممکن است از چه کتاب‌هایی سریال یا فیلم سینمایی ساخته شود؟

کافه خیابان گوته

کتاب کافه خیابان گوته نوشته حمیدرضا شام‌آبادی است، نویسنده کتاب دلیماچ را این کتاب می‌شود گفت که ادامه دلیماچ را نوشته است و زندگی قهرمانش را ادامه داده است. در کافه خیابان گوته قهرمان داستان کاپوش مستوفی، نویر میرزا یوسف، شخصیت اول رمان دلیماچ است، بنابراین این کتاب به‌بهانه رمان دلیماچ، می‌پردازد. در ابتدای کتاب توضیحاتی درباره اسماعیل، پسر میرزا یوسف داده می‌شود اما در ادامه داستان به زندگی کاپوش شتوفی نویر میرزا یوسف می‌پردازد. در داستان، سه دانشجوی گروه مبارزه چپ را تشکیل می‌دهند که در ابتدای جدی انقلابی ندارند اما در آینده شرایط عوض می‌شود و این تغییر دینی، یکی از اعضا به گروه خیانت می‌کند، گروه از هم می‌پاشد و به همین دلیل کاپوش به زندان می‌افتد. کاپوش بعد از آزادی از زندان، راهی آلمان می‌شود و فرد خیانتکار را در آلمان غربی پیدا می‌کند، اما زمانی به آن مرد می‌رسد که او را زیر گرفته و خود را یک کودک‌کشت ساله می‌پندارد. در چنین شرایطی دیگر انتقام معنایی ندارد، به همین دلیل کاپوش با همکاری یک نویسنده داستان‌های کودک که راوی این رمان است، تلاش می‌کند با بازی‌های مختلف و روایع با مرور خاطرات مشترک، حافظه مر را به او برگرداند تا مرز انتقام خود را به او بچشد. رمان وقوع اتفاقات این رمان به‌هم‌ریخته است اما اکثر اتفاقات دوره قاجار و پهلوی رخ می‌دهد، شاید این‌گریزی هم به‌بعد از انقلاب زده شده است. حوادث بعد از انقلاب در خارج از ایران اتفاق می‌افتد. شاید در مورد اقتباس کتاب می‌گوید: «ادبیات و سینما دو مفهوله کاملاً متفاوت هستند. نمی‌توان انتظار داشت که در داستان نویسی بتواند از عهده نگارش فیلمنامه هم بر آید چون در فیلمنامه ما با تکنیک‌های متنوعی مواجه هستیم که نیاز به آموزش دارند، به همین دلیل است که متفقد وقتی یک نویسنده فیلم‌سینمایی می‌خواهد داستانش را به فیلم‌ساز تبدیل نماید در فرآیند اقتباس آن اعمال نظر کند، بنده به فیلم‌نامه‌نویسی آشنا هستم و پیشنهاد کار روی فیلمنامه اثر من را قبول می‌کنم. اما به همین آشنایی طرح شده بود، «کتاب‌هایی که در فضای شادابی یا توجیه‌نوع روایتی که در کتاب‌ها دهیم، مورد توجه برای ساخت قرار می‌گیرد که دلیل آن هم، نوع داستان‌ها و همین‌طور نوع روایت شام‌آبادی است.

زن آقا

عصری از روی پیشانی جن افتاده‌اش می‌جویشد. پوست سرش از بین موهای تُنگ عریق سرق می‌زد. چشم‌هایش آویز آفتاب ریز شده بودند، اما خنده‌اش وسیع بود و بی‌دریغ... کلیس را از جیب شلوارش بیرون آورد. بنده بسیم الله گفت و از پله‌های جلویی در بالا رفت. در کوچه و سبزی بود، رزق سبزه یک درخت کنار بزرگ. در را که باز کرد خند خاصی شیرینی به صورتش خورد. بغیرما، زن آقا یک دالان بلند مثل لوله جارویی مزا به‌سست خودش می‌کشید. با وسایلی را از تنو ماشین بیرون بیآوریم و ببریم داخل. یک دیس غذا برپا آورد. فرم‌سبزی با مرغ ۱۴ قبل از اینکه تشکر کنیم، عذرخواهی کرد و گفت که اینجا معمولاً غذاها را با مرغ می‌پزند و تقریباً هیچ وقت گوشت گوسفند نهند. دو گاوپیدا نمی‌شود. کولرگازی پسر هوهو فکت‌کنان با گرمای آنباشته‌شده در خانه می‌جنگید. از گوشه آشپزخانه یک سفره چرب و پاکیزه گرفته پیدا کردم و بی اینکه به وسایل مان و جابه‌جا کردن نشان فکر کنم، بساط ناهار را پهن کردم. مثل قطعی‌زده‌ها به آن حمله کردم. نه کیفیت سبزی زیاد و کم بدون کشیدلماش از قهقهه‌یمن، نه به ترکیب مرغ و سبزی فرم‌سبزی فکر کردم. خوشمزه‌ترین فرم‌سبزی‌ای بود که تا آن روز خورده بودم. تا آخرین دقایق رنج را خوریدم و نه کاسه خوشتر از این حمله کشیدیم. «کتاب زن آقا نوشته زهرا کاراندی یا روایتی صادقانه و بی‌آلایش از مسیک زندگی خانواده‌های جامعه روحانیت می‌گوید. با مطالعه این سیرنامه درخصوص زندگی و طرز رفتار این افراد اطلاعات بیشتری به‌دست می‌آورید. زن و شوهری طلبیه هر سال در ماه‌های رمضان و محرم برای تبلیغات مذهبی به نقاط مختلف ایران سفر می‌کنند. کتاب زن آقا شرح سفر ۱۰۰روزه از این خانواده‌هاست که در روستای جنوب ایران در سال ۱۳۹۶ است. زهرا کاراندی با زبان و ادبیاتی صادقانه تمام وقایع را شرح می‌دهد و تصاویری که در پایان کتاب وجود دارد به بازوی‌دستی داستان می‌افزاید. نویسنده در این کتاب با دقت فراوان وقایع اجتماعی، روابط و آداب و رسوم مردم این روستای جنوبی را توضیح می‌دهد، اما تمرکز اصلی داستان، بیش از هر چیزی بر مسیک زندگی واقعی خانواده‌ها و جامعه روحانیت است. نویسنده در این کتاب می‌گوید: هدف از این کتاب برای چاپ کردم رساندن روایت و صدای خانواده‌های طلبیه است به‌خصوص همسر آله‌الله‌ها که به گوش عموم جامعه برسانم. «



دختر شینا از آن مدل کتاب‌ها است که روایت سینمایی‌اش بسیار می‌تواند جذاب باشد، همان‌زمان که برای معرفی کتاب یک فیلم کوتاه از آن ساخته شد و امین زندگانی و الیکا عبدالرزاقی در این فیلم کوتاه ایفای نقش کردند و توانستند مخاطبان زیادی را برای این کتاب به ارغوان بیاورند. این فیلم کوتاه نشان از این داشت که قابلیت تصویری کتاب بسیار به‌حالا هم شنیده می‌شود که قرار است فیلم‌سینمایی از این کتاب ساخته شود. «داشتم از پله‌های بلند وسایری که از ایوان آغاز می‌شد و حیاط ختم می‌شد، پایین می‌آمدم که یک‌دفعه پسر جوانی روپرویم ظاهر شد. جا خوردم، زانم‌بند آمدم. برای چند لحظه کوتاه نگامان به هم گرم خوردم. پسر سرش را پایین انداخت و سلام داد. صدای قلبم را می‌شنیدم که داشت از سیاهم خارج می‌زد. آفتدر حله بودم که توانستم جواب سلامش را بدهم. بدون سلام و حداقلی دودم توی حیاط و از آنجا هم یک‌دکس تا حیاط خانه خودمان دودیم. بر زانم، خدیجه، داشت از چاه آب می‌کشید. من که دید، دلو آب از دستش‌ها شد و به تاج افتاد. ترسیده بودم گفت: «قدم می‌گذارد! پریده؟! کمی ایستادم تا نفسم آرام‌آرام شد. با اوسیلر راحت و خودمانی دودم. او هم‌زن برادرهایم به من نزدیک‌تر بود، ماچرا را برایش تعریف کردم. خندید و گفت: فکر کردم عقب‌تور ازده. پسر پرنده!»

کتاب «دختر شینا»، روایت خاطرات قدیم‌خبر محمدی کتاب، همسر سردار شهید ستار ابراهیمی از شهدای برجسته همان‌ان است که در عملیات والفجر ۸، به شهادت رسید به قلم بهناز خرابی‌زاده است. قدیم‌خبر محمدی کتاب، راوی کتاب، در ۱۴ سالگی با ستار (صمد) ابراهیمی هم‌ژن ازدواج می‌کند و صاحب پنج فرزند می‌شود. در بیست‌وچهار سالگی شوهرش را در جنگ از دست می‌دهد و از آن زمان و با وجود ۵ فرزند، ازدواج نکرد و به تنهایی فرزندانش را بزرگ کرد. بهناز خرابی‌زاده که نگارش این اثر را برعهده داشته، درباره شخصیت راوی کتاب می‌نویسد: «این موضوع برای من بسیار تامل‌برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می‌کرد به فضای شهر آمده و به تنهایی در اوج جوانی، تمام هم و غشش بزرگ کردن فرزندانش شده بود. بنابراین تصمیم گرفتم درباره رازی و شبیه‌های زندگی این زن با او صاحبه کنم.»

«آن‌ها که نیستند»

«کدست‌ها را گذاشت روی چشم‌هایش تا اشک‌ها پایین نریزند. معلوم نبود شوئرش سردتر است یا داست‌ها. نمی‌خواست جلوی خانه‌گریه کرد. قرار نبود این ملاقات این‌طور عبورود. قرار نبود پایش بشود اشک‌های او. کدست‌هایش خیس شد. از چهره‌اش وقتی گریه می‌کرد، متنفر بود. رشت می‌شد و قلب رجم سعی کرد عمیق نفس بکشد، اما نمی‌توانست. سدی شکسته شده بود و دیگر نمی‌شد جلوی اشک‌ها را گرفت. به‌حق افتاد، حتی کنترل صدایش را هم نداشت. حالا دیگر برایش مهم نبود که چقدر می‌شد جلوی خانه‌گریه داشته‌باشد. انگشت‌های خانه‌را‌حی کرد که رفتند لای موهایش. همه‌ها به‌دلیل گنده‌انگیز کاریم که جمع شدیم اینجا، «آن‌ها که نیستند» می‌تواند پسرها و دخترهایی باشد که کودکی‌شان در سطح خیابان و پشت چراغ‌های قرمز می‌گذرد، همان‌ها که نه‌کسان‌شده‌اند دارند نه‌خانوادگی و نه‌حتی پدر و مادری که دغدغه‌دست‌چندان فرزند باشد. «آن‌ها که نیستند»، می‌تواند تمام دخترها و پسرهایی باشد که کار همدیگر نشان کردند دینی‌پیش‌سازند. کسانی که وقت‌شان را صرف دزدان به کودکان بدسرپرست کردند. جای هزار گری که می‌شد در اوج جوانی‌شان بکنند، دور هم جمع شدند تا کسانی را ببینند که چشم‌های هیچ‌کس قادر به دیدن‌شان نبود. «آن‌ها که نیستند»، رمانی اجتماعی است که مسائلی همچون کودکان کار، نرسیدن سرپرست، اختلاف اقتصادی و فقر را ستاره‌خیز قرار می‌دهد. سهیل شخصیت اصلی این رمان‌پس او مرگ خودخواسته است و شخصیت اصلی‌اش، از زندگی مرده‌ای دغدغه‌خوفاصله می‌گیرد و به‌خیرهای پنهانی مرد که کودکان بدسرپرست را حمایت‌خیز دیندار، رمان در شازده‌خود می‌کند. کتاب‌هایی که در فضای شادابی یا توجیه‌نوع روایتی که در کتاب‌ها دهیم، مورد توجه برای ساخت قرار می‌گیرد که دلیل آن هم، نوع داستان‌ها و همین‌طور نوع روایت شام‌آبادی است.

مردگان باغ سبز

«مردگان باغ سبز» رمانی تاریخی اجتماعی است که داستان زندگی سه نسل از یک خانواده در اوج خودی داده و نسل دوم «بالاش» و سوم «اوسوم» را به‌عنوان پسران را که پیروزی او نام «بولوت»، «اربابش انتخاب کرد، بیشترین شهیدان این داستان دارند. رمان داستان خبرنگاری به‌نام با‌اش را تعریف می‌کند که ابتدا در بازار تیریز دروگر بوده و در عین حال شعر هم می‌سروده که با‌شاعر مشهوری آشنایی‌شده‌بود، به‌دراپوره پیدا می‌کند و در روزنامه‌ها هم به‌کار خبرنگاری مشغول می‌شود. این رمان وقایع مربوط به آذربایجان در دوره محمدرضا پهلوی و مبارزه بین قشون‌ها و حزب توده را برسر مساله آذربایجان و انتخاب‌خود و مبارزه بین مردم می‌روایت می‌کند. با‌شالات که خبرنگاری و تکنجاری‌اش را رنگینت، می‌خواهد از آذربایجان به زنجان و از آنجا به قزوین برود تا از اوضاع واحوال و پیشروی قشون با‌خبر شود. در میان‌راه اتفاقاتی می‌افتد که باعث رستمن او به قزوین می‌شود... رمان روایت‌های باغ سبز، نظر بسیاری از منتقدان را جلب کرده‌است، رضا امیرخانی از مردگان باغ سبز به‌عنوان یکی از آثار برجسته ادبیات داستانی دهه انقلاب یاد کرده‌است. این نویسنده معتقد است که مردگان باغ سبز میراثی مربوط به دهه بیست‌نیست؛ بلکه دقیقاً به امروز جامعه ما مربوط است و باید آن دیدنیز خوانده‌شود. نگاه و روایت یابارایی همیشه مورد توجه فیلمسازان بوده‌است، چون داستان را جوری می‌نویسد که برای مخاطب همیشه جذابیت دارد و ربط دادن تاریخ به امروز هم از جمله مواردی است که در داستان‌های یابارایی به چشم می‌خورد. به‌این‌مدر که نگار هفت‌مبحث تارم‌گاران باغ سبز در دهه کتاب‌هایی قرار بگیرد که برای اقتباس انتخاب شده‌است.

مستوری

«مستوری» نوشته حمید کریم‌زاد، رمانی درباره زندگی شهید زین الدین است. صادق کریم‌زاد نویسنده کتاب نامیاریه در این اثر با یک شروع دراماتیک به سراغ زندگی و خانواده‌ای در دفاع مقدس رفته‌است. کوثر عشاق دختر بی‌اسم‌ه‌آرام است. دکتر خسروی پدر کوثر در میان جنگ زنده‌بود و حالا در کارخانه‌دار فروخته‌است اما اتفاقاتی می‌افتد که کوثر مست می‌کند، به‌خانواده‌اش تعلق ندارد. او خیلی اتفاقی در ایوم عکسی خوش‌آرام‌هاگی و در آفتوش درگیری می‌بیند. مردی که به‌زودی معلوم می‌شود شهید زین الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بی‌طالب است این موضوع کوثر را وامی‌دارد تا برای پیرن به‌راز زندگی‌اش درگیر زندگی و خانواده‌ای شده شهید برود. کریم‌زاد در این رمان را بر پیام‌و موضوعات زن‌هاجمه‌دوستیم و جدایی‌همراهی‌آنها در داستان اوین سیستم‌زاد رمان مان و گذشته‌ها هم‌مقبایله کرده‌است. چراغ می‌دهد که نظام مدبریتی گذشته نیروهای محلی‌مانند پیرن الدین را آموزش می‌دهد و در زمان حال آدم‌هایی مثل دکتر خسروی رستم مردم این روستای جنوبی را توضیح می‌دهد، اما تمرکز اصلی داستان، بیش از هر چیزی بر مسیک زندگی واقعی خانواده‌ها و جامعه روحانیت است. نویسنده در این کتاب می‌گوید: هدف از این کتاب برای چاپ کردم رساندن روایت و صدای خانواده‌های طلبیه است به‌خصوص همسر آله‌الله‌ها که به گوش عموم جامعه برسانم. «

توجه کرده‌است، برای ساخت سریال یا فیلم سینمایی گزیننه مناسبی است و برای اقتباس انتخاب شده‌است.

یادداشت

نگاهی به وضعیت اقتباس ادبی در صنعت جهانی درام تلویزیونی

بهترین‌های صنعت سریال‌سازی اقتباسی هستند

همان‌قالب درام‌های تلویزیونی هم از این منبع بی‌بهره نبوده، هرچند در راه استفاده از آن چالش‌های‌مخصوص به خودش را دارد؛ یکی از این چالش‌ها مواجه شدن با اقتباس‌های سینمایی است. یک‌آثر سینمایی در یکی، دو ساعت قصه را به‌پایان می‌رساند و همه از انتهای ماجرا مطلع می‌شوند، حال‌آنکه در سریال، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عاملی که برای دنباله‌روی مخاطبان کشش ایجاد می‌کند، کنجکاوی نسبت به اتفاقاتی است که در آینده قرار است رخ دهد. می‌شود از این جهت‌روی اینکه همه مخاطبان کتاب را خوانده‌اند، حساب کرد اما نمی‌شود روی اینکه همه آنها فیلمی را که قبلاً از روی این کتاب اقتباس شده‌است هم ندیده باشند، حساب باز کرد. برای عری از این چالش‌ها رهی جز بندرفتن بازار رقابتی در محصولات فرهنگی نیست. هرکس در چنین بازاری سعی می‌کند مزیت‌های خودش را نسبت به رقیب‌ببیند و روی آنها تأکید‌های بیشتری داشته باشد که سریال‌ها هم تلاش می‌کنند از این روش در مواجعه با نسخه‌های سینمایی استفاده کنند. از اینکه قالب ساخت‌انها امکان سطو گسترش قصه را می‌دهد، علاوه‌بر اخت‌ر در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.

اما از این چالش‌جدی‌تر محدود شدن سازگان یک سریال به قالب یک‌رمان است. وقتی یک سریال از روی یک رمان اقتباس‌شده‌باشد، ساخت‌سازهای بعدی آن حتی اگر در حق و محوجبت و استیلا بدرفته‌باشد، شده‌باشد، راه‌آله‌ای از این‌همه‌فرار خواهد گرفت چون وقتی داستان محدود‌شده‌و نویسنده‌ساخته‌ای‌اش قصه ندارد دنباله‌ای بر آن بنویسد، نویسندگان فیلمنامه هم‌حق ندارند بنابر میل خودشان قصه را ادامه بدهند. البته این‌راه‌رف از چالش‌اندی‌تری در نظر می‌آید، مثلاً به‌معلوم برای یک رمان تأکید‌شده‌بود که رتول‌ت‌برشت می‌گفت همه‌فرار از کلیشه‌های قصه‌گویی، هم می‌توانست به این فهرست اضافه‌شود و به‌بهانه‌فرار از کلیشه‌های قصه‌گویی، اسامان آن را از میان می‌برد. به‌هرحال در صنعت فیلم‌سازی جهان، اقتباس یک‌سخت‌یاست نسبت‌ادبیات داستانی با سینمای جهان، به نسبت‌تفت و صنعت می‌ماده‌ایساریل‌سازی با آن‌را سرفظر کرد.

«تسخیرشدگی خانه‌هیبل»، یک سریال اینترنتی آتلوزوی در زاتر ترسناک فراطبیعی است که توسط مایک فلتنگ خلق شده‌است. مجموعه از رادیو، تلویزیون یا سری فیلم، به نمایش‌های پیاپی و مستقل از هم که گفته می‌شود که با زانرهای مختلف و ارائه یک داستان مفیوم و مجموعه‌ای متفاوت از شخصیت‌ها در دو قسمت، فصل یا بخش پیش می‌روند، مثلاً فلتنگ پس از ساخت مجموعه تسخیرشدگی خانه‌هیبل در ۲۰۱۸، ۹ اکتبر ۲۰۲۰ مجموعه‌های پنجم و ششم تسخیرشدگی عبارت‌بالاتی، با همان بازیگران منتشر کرد که و همان‌فصل و حال‌وه‌وا را داشت. اما سریال تسخیرشدگی خانه‌هیبل، اقتباسی مدرن از یک کتاب ترسناک کلاسیک به همین نام نوشته شرلی جکسن است. این سریال از محصولات اصلی تل‌فیکس است و توسط همین شرکت ساخته و توزیع شده‌است. در داستان آن که روایتی غریختی‌دانه از پنج اثر شروع می‌شود که تابستان سال ۱۹۹۲، زن و شوهر جوانی به نام هیو و اولیویا کریمن همراه با دو فرزندشان به‌طور موقت به خانهای بسیار قدیمی و بزرگ می‌روند، خانهای که پیش‌تر خانواده دیگری به نام هیل در آن سکونت می‌کردند. هیو می‌گوید: «بعد از تعمیر کردن خانه که برای مدت زیادی خالی از سکنه بوده، آن را پرورش تا بتواند پول خوبی به‌دست آورد اما به‌مرور رخ‌دادهای غریقالی پیش‌بینی در خانه به وقوع می‌پیوندد که سر نوشتش خانواده‌ا را برای همیشه عوض می‌کند. ابتدا کتاب یک پزشک را دنبال می‌کنند تا فعالیت‌های ماوراءالطبیعه را در خانهای که بسیاری معتقدند جن‌ده‌است، کشف کنند... ابتدا قرار بود سریال تنها یک فصل داشته‌باشد اما حالا قرار است که فصل دوم آن هم منتشر شود. این مجموعه با امتیاز شگفت‌انگیز A/V توسط مخاطبان با برقه‌باش‌کوی‌مواجه‌شد.

دکستر

دکستر نام یک مجموعه تلویزیونی درام جنایی و معمایی، ساخته‌شده توسط شبکه شوت‌لیم آمریکااست و در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ در قالب هشت فصل از این شبکه پخش شد. داستان مجموعه با محوریت دکستر موگان (با بازی مایکل سی‌هال) روایت می‌شود که برای بخش جنایی پلیس میامی به‌عنوان کارشناس تحلیل آثار خون کار می‌کند. تحلیل آثار پاشیدگی خون (با مختصار: BPA) یکی از گرایش‌های تخصصی در رشته جرم‌شناسی است که در آن کارشناسان تحلیلگر آثار خون، با ردیابی نوع پاشیدگی خون در محل انجام جنایت و همچنین تجزیه و تحلیل دی‌ان‌ای موجود در خون یافت‌شده در محل جرم و مقایسه نمونه‌های خون‌ها ممکن است به نتایجی دست یابند که به کمک معاهداتی جنایی و بافتن زهره‌اکان کمک کند. اما دکستر در عین حال به‌صورت مخفی، آدمکش زجره‌های می‌کشد و قاتلانی را که از شکاف‌های سیستم قانونی فریخته‌اند، شکار می‌کند. فصل اول این مجموعه سراساس رمان «دکستر و راپاردرز تاریک»، دکتر جین لیندزی ساخته شد و سایر فصل‌ها به‌صورت مستقل از کتاب‌های دیگر توسعه یافتند. دکستر تجسین بسیاری از منتقدان را همره داشت و چهار فصل اول تحسین‌جهانی را به‌دست آوردند، اگرچه این استقبال چشمگیر در فصل‌های بعدی تا حدودی کاهش یافت. این مجموعه جوایز متعددی را به‌دست آورده است؛ ازجمله دو جایزه گلدون گلوب. در آوریل ۲۰۱۳ نت‌فلیکس اعلام کرد که فصل هشتم، آخرین فصل مجموعه خواهد بود و همین باعث شد قسمت اول فصل هشتم با سه‌میلیون بیننده در شب پخش، پربیننده‌ترین قسمت دکستر شود اما در اکتبر ۲۰۲۰ اعلام شد که دکستر با یک مجموعه محدود ۱۰ قسمتی، با عنوان «دکستر: خون جدید» مجدداً با بازی مایکل سی‌هال پخش خواهد شد؛ تولید در زمستان ۲۰۲۰ آغاز و پخش مجموعه از ۷ نوامبر ۲۰۲۱ شروع خواهد شد.

شخصیت اصلی این سریال همان آن‌شرلی معروف خودمان است. اوسوی مود مونتگومری OBE (زاده ۳۰ نوامبر ۱۸۷۲- ۲۴ آوریل ۱۹۴۲)، یک نویسنده کانادایی بود که بیشتر به‌خاطر مجموعه‌ای از رمان‌ها در سال ۱۹۰۸ با محوریت شخصیت دختری بیتم به‌نام آن‌شرلی شناخته شد. این کتاب بافلاصله با موفقیت روبه‌رو شد. بعد از اولین رمان، مجموعه‌ای از دنباله‌ها به آن به‌عنوان شخصیت اصلی- اضافه شدند و سینمایی داستانی- ادییشنی و صنعت فیلم‌سازی جهان تا به حال بارها از این داستان و مشتقاتش بهره‌برده‌اند. اما سریال، آ‌نه با یک حرف‌ئی که برای اولین‌بار در سال ۲۰۱۷ منتشر شد، شاید برای صدمین‌بار سراغ اقتباس از این مجموعه آثار رفت اما با استقبال حیرت‌انگیزی مواجه شد. منتقدان بسیاری به آن پنج‌ستاره دادند و مردم عادی هم امتیازهای بسیار بالایی به آن در سایت رد‌دیندی بخشیدند. ماجرای سریال از این قرار است که در سال ۱۸۹۶، یک بخت‌بردار و خواهر سل‌خورده به‌نام‌های «آن‌شرلی» و «ماریلا» که با هم زندگی می‌کنند و هرگز ازدواج کرده‌اند) تصمیم می‌گیرند یک پسر شتیو را به کارفرماید پذیرند تا در مزمره ادجادی‌شان واقع در گرین گیلس، در حومه یکی از شهرهای کانادا، در جزیره پرنس اوداره به آنها کمک کند. و وقتی شتیو می‌ود تا کودک را در ایستگاه راه‌آهن تحویل بگیرد، در عوض آن‌شرلی ۱۳ ساله را به‌دختری خیال‌پرداز، روشنفکر، با روحیه بالا و پر حرف. آ‌نه در حنده‌اگی تنیوم شد و قبل از قرار گرفتن در بیتم‌به‌نام به‌عنوان دخترشکار در میان خانواده‌های مختلف زندگی می‌کرد. به‌فایده بودن یک دختر جوان برای کار در مزمره، به‌آنه اعتماد نمی‌کند. بی‌اعتمادی او زمانی تأیید می‌شود که یک سنجاق سینه را گرم می‌کند و به شک می‌افتد که آ‌نه دزد است...

آنها همراهمادر بزرگشان